



۲۰۲۳/۰۹/۰۲



سید عظیم حسینی

## زراعت و مالداري - بخش حيوانات اهلي - باربر «قاطر» در قاموس کبیر افغانستان

به لاتین : **Mulus**به انگلیسی : **Mule**به آلمانی : **Maultier**

قاطر یا آستردر رده بندی علمی که از طرف (کارل لینه، ۱۷۵۸) صورت گرفته، از جانوران بارکش، شاخه طنابداران، رده پستانداران، راسته تکسوسمانان، نسل اسپان و گونه **E. caballus + asinus** میباشد. قاطر یا آستر یا خراسب حیوانی است، که از جفتگیری خر نر و اسب ماده ایجاد میشود. قاطر یک گونه به حساب نمی‌آید، زیرا توانایی تولید مثل را ندارد و برای به وجود آوردن قاطر دیگری باید حتماً یک خر نر را با یک اسب ماده آمیزش داد. کلمه آستر ریشه در دری باستان دارد که در زبان سانسکریت به صورت آشوتره ادا می‌شده که جزء اول آن (آشَو) به معنی اسپ است. این حیوان معمولاً به عنوان بارکش استفاده می‌شود. چارپائی بارکش و سواری که پدر او خر و مادرش اسپ است. حیوانی که از خر نر و مادبان زاید. گویند این تصرف را فرعون کرده است. چارپائی است معروف میان خر و اسب و به هندی خچر گویند. جانوران باربر ذاتاً بردبار، هوشیار و پرطافت هستند، می‌توانند از مسیرهای سخت گذر بگذرند. پرورش قاطر تنها

زمانی امکان پذیر شد که دامنه پخش و تکثیر اسپ اهلی که در حدود ۳۵۰۰ سال، قبل از میلاد و از آسیای مرکزی شکل گرفته بود، به الاغ اهلی که از منطقه شمال شرقی آفریقا سرچشمه می‌گرفت، رسید. این یک جا ساختن احتمالاً در آناتولی و بین‌النهرین و در منطقه آسیای غربی رخ داده است و قاطرها اندکی پیش‌تر از ۱۰۰۰ قبل از میلاد در آنجا پرورش داده شده‌اند. درزیست‌شناسی قاطر را زیستا اما نازا خطاب می‌کنند. جثه قاطرها معمولاً از خرها بزرگتر بوده و سری بزرگ و کشیده با گوش‌های نسبتاً بلند دارد. توانایی جسمی و مقاومت آن در برابر بیماری‌ها به مراتب از خرها بیشتر است. به همین دلیل روستاییان ترجیح می‌دهند تا از قاطر برای باربری استفاده کنند. قاطرها در شمال آفریقا، برما، فیلیپین و در ایتالیا به کار گرفته می‌شدند. آن‌ها همچنین برای انتقالات و تدارکات به جاهای کوهستانی به کار می‌روند. در حالی که استفاده سنتی از حیوانات بارکش توسط قبایل عشایری رو به کاهش است، بازار جدیدی در صنعت سفرهای توریستی در مناطقی مانند کوه‌های بلند اطلس مراکش در حال رشد است که به بازدیدکنندگان اجازه می‌دهد تا با استفاده از حیوانات در بخشی از موارد سیر و سفر نمایند. با اختراع ماشین بخار و بوجود آمدن خط آهن، حمل و نقل کالا با اسب و گاو به تدریج به واگون‌های ریل انتقال یافت، و استفاده از حیوانات بارکش منجمله قاطر که تا قرون وسطی وسیله ای مهم ترانسپورتی بودند در کشور های دارای این مزیت فروکش نمود، اما در بسیاری از کشور ها هنوز هم منحصی و سیله ترانسپورتی مورد استفاده قرار میگیرند. اردوی ایالات متحده امریکا حداکثر ۲۰ درصد وزن بدن را برای قاطرهایی که تا ۲۰ مایل در روز در کوهستان راه می‌روند، تعیین می‌کند که تا حدود ۲۰۰ پوند (۹۱ کیلوگرم) بار می‌شود. با این

حال، یک متن ۱۸۶۷ باری را تا ۸۰۰ پوند (۳۶۰ کیلوگرم) ذکر کرده است. در هند، قوانین پیشگیری از ظلم (۱۹۶۵) وزن قاطرها را به ۴۴۰ پوند (۲۰۰ کیلوگرم) محدود می‌کند. در عین حال در افغانستان از این حیوان در زراعت به عنوان قلبه کش و در بعضی موارد در بخش آسیاب و همچنان در آسیاب تیل کشی مانند شرشم، کنجد و یا زغرنیز استفاده می‌گردد.



حیوانات بارکش ممکن است با زین یا پالان بسته شوند و همچنین ممکن است خورجین ها یا کیسه‌های زین حمل کنند. یک جفت خورجین با مواد وزن دار (اغلب به صورت متقارن قرار می‌گیرند) که موازنه را حفظ مینماید، مانند سایر حیوانات بارکش توسط قاطر نیز انتقال می‌گردد. قاطر در افغانستان بنا بر صعب العبور بودن راه ها در مناطق کوهستانی موارد استعمال زیاد دارد، به خصوص منحیث وسیله انتقال برای اسلحه و قاچاق انسان، مواد مخدره مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد. در تاریخ بیهقی از استر که هدف از قاطر است به مراتب ذکر گردیده که در آن زمان از اهمیت خاصی برخوردار بوده است، مانند: خلعت های خلیفه (تاریخ بیهقی چ ادیب ص ۳۷۶) را بر استران در صندوقها بار کردند. بوعلی بر استری بود بند در پای پوشیده. (تاریخ بیهقی چ ادیب ص ۲۰۴). و سیصد پیاده گزیده و استری با زین بیاوردند. (تاریخ بیهقی ص ۳۵۲). فرمود که بوسهل را باید برد حاجب نوبتی او را بر استری نشانده و با سوار و پیاده بسیار به قهندز بردند. (تاریخ بیهقی ص ۳۳۰). و بر آنجانب رود که سوی افغانستان است بسیار استر سلطانی بسته بودند. (تاریخ بیهقی ص ۲۶۱). خواجه بزرگ از جهت خود رسول را استری فرستاد. (تاریخ بیهقی ص ۲۹۷). و هر جانوری که دارم از اسب نعلی (۴) و استر... رها کرده شده است بسر خود در راه خدا. (تاریخ بیهقی ص ۳۱۸).

همچنان شعرا در موارد مختلف در اشعار شان از استر (قاطر) یاد آوری نموده اند که به عنوان مثال ذکر می‌گردد:

#### سنائی

هست مامات اسب و بابا خر - تو مشو تر چو خوانمت استر.

#### ناصر خسرو

اگر اشتر و اسب و استر نباشد - کجا قهرمانی بود قهرمان را

#### سنائی

اشتر و استر فزون کردن سزاوارست اگر - بار عصیان ترا بر اشتر و استر برند.

#### خاقانی

دستار خَز و جِبَه خارا نکوست - لیک تشریف وعده دادن استرنکو ترست .

#### خز

خز: جانوری است معروف مانند سمور که از پوست آن پوستین سازند.

#### جبه

جبه: - نام یکی از سرداران مغول که مأمور تعقیب سلطان محمد خوارزمشاه بود و از راه مازندران به تعاقب سلطان پرداخت؛ - قصیه ای است در ترکستان شرقی که در مغرب ختن بفاصله 25 هزارگز و در کنار رودخانه قره قاش یا دریای ختن قرار دارد؛

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

- رب نارنج و مانند آن ، فشرده و پخته ، آب نارنج یا غیر آن که خشک و سخت شود.

- نام دارویی است؛

- گشادگی پیشانی ، زیبایی و برجستگی پیشانی

---

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند